

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۷، پیاپی ۱۳۷، پاییز ۱۳۹۹ / صفحات ۸۵-۶۱

مقاله علمی - پژوهشی

قلیان و قلیان‌گشی و نقش آن در تمایزات اجتماعی ایران در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار^۱

غفار پوربختیار^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۳

چکیده

قلیان‌گشی یکی از عادات و تفریحات ایرانیان در روزگار قاجار بود که چون همه اقشار اجتماعی به آن روی آورده بودند، تمایزات بسیاری را در خود نهفته داشت. بنابراین پژوهشگر با روش مقایسه‌ای مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و به‌ویژه سفرنامه‌ها و براساس مفهوم «تمایز اجتماعی» ابداعی پیر بوردیو، در پی یافتن پاسخی برای این سؤال است که «قلیان» به عنوان یک کالای مصرفی و قلیان‌گشی به عنوان بخشی از سبک زندگی ایرانیان چه نقشی در حفظ و بازتاب تمایزات میان اقشار اجتماعی در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار داشته است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قلیان در عصر قاجار یک کالای مصرفی و قلیان‌گشی نیز برای گذراندن اوقات فراغت همه اقشار جامعه رواج داشته، اما قشرهای بالای جامعه، هم با استفاده از قلیان‌های تزئینی و گران‌بها -مبتنی بر سلیقه زیباشناختی خود- تشخیص و تمایز خود را نسبت به دیگر اقشار نشان می‌دادند و هم با در اختیار گرفتن قلیان‌چی‌های مبادی آداب و رعایت آداب و رسوم قلیان‌گشی، در پی آن بودند که سلسله‌مراتب اجتماعی خود را حفظ کنند؛ درحالی‌که اقشار پایین جامعه تنها برای برطرف کردن نیاز خود همچون رفع خستگی از کار روزانه، به کشیدن قلیان می‌پرداختند.

واژه‌های کلیدی: قلیان‌گشی، قلیان‌چی، اشراف، اقشار پایین، تمایز اجتماعی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.31464.2246

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران gh.porbakhtiar@iau-shoushtar.ac.ir

مقدمه

جامعه ایران در دوره قاجار مانند بسیاری از دوره‌های دیگر، مبتنی بر تفاوت‌ها و تمایزات بسیاری میان اقشار اجتماعی بود. این تمایزات میان اقشار بالا و پایین جامعه کاملاً هویدا بود و اقشار بالا تلاش می‌کردند از طریق سبک زندگی و عادات و رفتارهای فردی و اجتماعی، خود را از اقشار پایین تر متمایز کنند. برای مثال، شیوه‌های مصرف خوراک، پوشاک، مسکن، استفاده از تزئینات و وسایل خانه و چگونگی گذراندن اوقات فراغت، از مهم‌ترین اموری بود که می‌توانست تمایز اجتماعی را نشان دهد. قلیان‌کشی نیز به عنوان یکی از شیوه‌های مرسوم گذراندن اوقات فراغت، در دوره قاجار به شدت در میان همه اقشار رایج و گسترده بود و به عنوان بخشی از سبک زندگی پذیرفته شده بود.

پدیده‌ای به نام قلیان در دوره صفوی و از طریق هندوستان وارد ایران شد و از همان زمان مجالس قلیان‌کشی به عنوان فرصتی برای وقت‌گذرانی، تنوع و سرگرمی در جامعه ایران رواج یافت و با گذشت زمان در روزگار قاجارها شیوع و عمومیت بیشتری یافت که به لطف سفرنامه‌های اروپاییان آگاهی زیادی از آن داریم. بنابراین یکی از تفریحات و سرگرمی‌های عموم مردم ایران در عصر قاجار روی آوردن به مصرف قلیان بود. ایرانیان از شاهان، شاهزادگان و اعیان و اشراف تا مردمان عادی و فرودست به قلیان‌دوستی و قلیان‌کشی روی آوردند و در اماکن مختلفی اعم از خانه یا بیرون از آن به مصرف قلیان پرداختند؛ تا جایی که برخی سیاحان خارجی از وابستگی شدید عموم ایرانیان به قلیان سخن گفته و قلیان‌کشیدن را از نان شب آنها نیز ضروری‌تر دانسته‌اند. قلیان‌کشی برای همگان به یک عادت پایدار تبدیل شده بود و حتی مختص و منحصر به مردان نشد، بلکه زنان نیز به این عمل روی آوردند و به شدت به آن وابسته شدند. با وجود آنکه قلیان‌کشی در دوره قاجار پدیده‌ای شایع و عمومی بود، تاکنون تحقیقات چندانی در این باره صورت نگرفته است. حسن سمسار (۱۳۴۲) در مقاله «نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران» بیشتر ظرافت شکل و جنس، زیبایی قلیان و چگونگی تزئینات روی آن را کانون توجه خود قرار داده و از توجه به نقش و کارکرد اجتماعی قلیان، به‌ویژه در بازتاب تمایزات جامعه دریغ کرده است. مرتضی راوندی (۱۳۸۳) نیز در جلد هفتم کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* چگونگی علاقه‌مندی ایرانیان به قلیان و استفاده از آن در جامعه ایران را بیان کرده است. این اثر از ارزش علمی چندانی برخوردار نیست، بلکه یک پژوهش صرفاً توصیفی است و فقط به نقل روایات درباره قلیان و قلیان‌کشی پرداخته است. رودی متی (۱۳۸۹) در مقاله «تنباکو در ایران» به روند رواج تنباکو در جامعه ایران و فراز و نشیب مصرف آن پرداخته و در کنار آن به استفاده از قلیان نیز اشاراتی داشته است. او نیز

بیشتر تاریخچه قلیان‌کشی در ایران را شرح داده و اگرچه به بعضی تفاوت‌های مکانی قلیان‌کشی میان زنان و مردان اشاره‌ای کوتاه کرده، اما به نقش قلیان در ایجاد و حفظ تمایزات اجتماعی میان اقشار مختلف پرداخته است. احمد کامرانی فر و نرجس معمار (۱۳۹۱) در مقاله «نقش و عملکرد قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار» به بیان نقش قهوه‌خانه‌ها پرداخته و نه تنها توجهی به تمایزات اجتماعی قلیان و قلیان‌کشی نداشته‌اند، بلکه فقط به استفاده از قلیان در قهوه‌خانه‌ها طی این دوره، اشاره‌ای گذرا داشته‌اند. بدین ترتیب، اگرچه در همه این پژوهش‌ها گرایش ایرانیان به قلیان و رواج قلیان‌کشی در تاریخ ایران بدون ذکر چندانی از رواج آن در دوره قاجار - بیان شده، اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها به مسئله کارکرد اجتماعی قلیان و قلیان‌کشی در جامعه ایران با تأکید بر تمایزات میان اقشار اجتماعی پرداخته نشده است. همین امر نویسنده را بر آن داشته تا با روش پژوهش مقایسه‌ای میان دو قشر بالا و پایین، نقش و تأثیر قلیان و قلیان‌کشی را به عنوان متغیر مستقل بر ایجاد تمایز میان این دو طیف، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. این کار با استفاده از منابع و متون اصلی تاریخ به‌ویژه سفرنامه‌ها، در پژوهشی مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی و با کاربست مدل ابداعی پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی به نام «تمایز اجتماعی» صورت گرفته است. به نظر می‌رسد به علت عمومیت یافتن قلیان‌کشی در عصر قاجار و به‌ویژه دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، این فرصت برای اقشار بالا فراهم آمد تا نه فقط از طریق اموری چون خوراک، پوشاک، خانه و غیره، بلکه از طریق قلیان و قلیان‌کشی نیز تمایزات اجتماعی خود را نسبت به دیگر اقشار منعکس کنند. بنابراین مهم‌ترین پرسش فرا روی این پژوهش عبارت است از: قلیان به عنوان یک کالای مصرفی و قلیان‌کشی به عنوان یک عادت یا جزئی از سبک زندگی، چه نقشی در حفظ و بازتاب تمایزات میان اقشار اجتماعی عصر ناصرالدین‌شاه قاجار داشته است؟

چارچوب نظری

پیر بوردیو^۱ جامعه‌شناس فرانسوی در ۱۹۳۰م. در دانگین^۲ فرانسه متولد شد و در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲ در پاریس درگذشت. در دوران حیات وی بیش از سی کتاب و چهارصد مقاله علمی از او منتشر شد. یکی از مشهورترین آثار وی کتاب *تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی* است که در ۱۹۷۹م. در فرانسه منتشر شد. محتوای تجربی این کتاب مبتنی بر دو پیمایش بزرگ است که روی ۱۲۱۷ نفر در پاریس، لیل^۳ و یک شهرستان کوچک در سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۷ -

1. Pierre Bourdieu
2. Denguin
3. Lille

۱۹۶۸ انجام گرفته و با طیف گسترده‌ای از داده‌های سایر پیمایش‌ها تکمیل شده، به توضیح و تشریح تفاوت‌های سبک زندگی گروه‌های متفاوت طبقاتی پرداخته شده است (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۱۰). وی در فرایند مفهوم‌سازی خود از مفاهیمی چون «عادت‌واره»، «میدان»، «سلیقه» و «عمل» بهره گرفته که در این پژوهش بیشتر از مفهوم سلیقه استفاده شده است. می‌توان گفت از منظر بوردیو، عمل حاصل تعامل میان میدان و عادت‌واره برگرفته از طبقه اجتماعی فرد است که در قالب سلیقه متجلی می‌شود. سلیقه، سازوکاری کلیدی برای بازتولید طبقه اجتماعی است که انسان را قادر می‌سازد تا گروهی از اشیا یا اعمال را در قالب مجموعه‌ای از ترجیحات انتخاب کند. البته این امر کاملاً نسبی است؛ یعنی سلیقه مردم در مورد آنچه که زیبا یا غیرزیبا تلقی می‌شود، به موقعیت اجتماعی آنان بستگی دارد؛ به گونه‌ای که فرد براساس موقعیت‌هایش، انتخاب‌های متمایز «سلیقه» را انجام می‌دهد. از نظر بوردیو افراد براساس موقعیت اجتماعی‌شان اعمال سلیقه می‌کنند و هر طبقه سعی می‌کند با شکل دادن به سلیقه‌اش، خود را از سایر طبقات متمایز کند. او در کتاب تمایز نوشته است: «... سلیقه مبنای همه چیزهایی است که فرد در اختیار دارد - اشیا و آدم‌ها - و مبنای همه چیزهایی است که هویت فرد را برای دیگران رقم می‌زند و به این طریق است که فرد خود را طبقه‌بندی می‌کند و توسط دیگران نیز طبقه‌بندی می‌شود» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۹۳). بوردیو نشان داد که چگونه می‌توان میان حوزه‌هایی چون ورزش، غذا، لباس، سلاقی هنری، موسیقی، عکاسی و ادبیات از یک سو و وضعیت و پایگاه اجتماعی افراد از سوی دیگر رابطه‌ای منطقی برقرار کرد. او سبک زندگی را به مثابه نوعی نظام‌مندی در نظر گرفته بود. این نوع نظام‌مندی که ریشه در عادت‌واره دارد، در تمام ویژگی‌ها و دارایی‌هایی دیده می‌شود که افراد و گروه‌ها در اطراف خود جمع می‌کنند. وسایلی از قبیل مبلمان، لباس، خانه، اتومبیل و فعالیت‌هایی مانند انواع ورزش‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها که افراد از طریق آن تشخیص و تمایز خود را نشان می‌دهند.

افراد برخوردار از موهبت «تمایز بودن» یا به بیان دیگر «تشخص»، سلیقه خود را بر دیگر اقشار تحمیل می‌کنند. طبقه مسلط می‌کوشد تا موقعیت خود را از طریق استراتژی تمایز حفظ کند. او این کار را با تعریف و تحمیل «ذائقه خوب» به دیگر افراد جامعه انجام می‌دهد. در این راستا به محض آنکه کرداری اشاعه می‌یابد، قدرت تمایز خود را از دست می‌دهد و عمل دیگری که مختص اعضای طبقات مسلط است، جایگزین آن می‌شود (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۱۲۵). بوردیو سبک‌های زندگی در جامعه فرانسه را براساس سه سنخ طبقه‌بندی کرده است. نخست سبک زندگی اقشار فرادست با ویژگی «تشخص»؛ دوم سبک زندگی طبقه متوسط با ویژگی «خوش‌نیتی فرهنگی»؛ و سوم سبک زندگی اقشار فرودست که براساس ویژگی «رفع نیاز»

تعریف می‌شود. مسئله ضرورت یا نیاز، خط ممیزه میان اقشار فرادست و فرودست است. درحالی‌که فرودستان همه چیز را از منظر نیازهای خود می‌بینند و در مرحله رفع نیازهای خود گیر کرده‌اند، فرادستان از این مرحله عبور کردند و نگاه التذادی، مفرحانه و زیباشناختی به امور دارند. به اعتقاد بوردیو «فاصله داشتن از دنیا و الزام‌ها و اجبارهای آن و خلق و خویی که به زحمت بتوان آن را ذهنی نامید؛ زیرا به‌طور عینی درونی می‌شود، مانند قریحه زیباشناسانه‌ای که یکی از ابعاد آن است، فقط در شرایط وجودی خاصی شکل می‌گیرد که از قید اضطرار و الزام نسبتاً آزاد باشد» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۲۰). البته در کاربرد مفهوم تمایز برای این پژوهش موانع و مشکلاتی نیز وجود دارد. اول اینکه بوردیو این مفهوم یا مدل را همانند سایر مطالعاتش، برای جامعه فرانسه استفاده کرده، اما در این پژوهش آن را برای جامعه ایران با وجود بعضی تفاوت‌ها با جامعه فرانسه - به کار گرفته‌ایم. در این باره بوردیو خود با صراحت بر این نظر است که این مطالعه فقط به فرانسه مربوط نمی‌شود و مدلی که وی عرضه کرده، فراتر از مورد خاص فرانسه است و بدون شک برای همه جوامع طبقاتی اعتبار دارد (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۱۰). مشکل دوم این است که این مدل برای جامعه فرانسه دهه ۷۰ میلادی به کار بسته شده و بوردیو معتقد است مفهوم «سلیقه» که در این مدل به کار رفته، خاستگاه بورژوازی دارد و حاصل دنیای مدرن است؛ درحالی‌که ما می‌خواهیم آن را برای جامعه استبدادی ایران در روزگار قاجار مورد استفاده قرار دهیم. پاسخ این است که سلیقه امری ذاتی بوده و در همه زمان‌ها و مکان‌ها در نهاد بشر وجود داشته است. نه استبداد توانسته آن را از بین ببرد و نه لیبرالیسم توانسته آن را به نهایت خود برساند. بنابراین به نظر می‌رسد با وجود تفاوت‌هایی که میان فرانسه دهه مذکور و ایران در روزگار قاجار وجود دارد، می‌توانیم در این پژوهش از همین مدل استفاده کنیم و تمایزات اجتماعی عصر ناصرالدین‌شاه قاجار در مسئله قلیان و قلیان‌کشی را براساس همین بنیاد نظری مطرح کنیم و به نتیجه برسیم.

قلیان و گستردگی مصرف آن در عصر قاجار

درباره این موضوع که پدیده‌ای به نام قلیان در چه زمانی و چگونه اختراع شد و در چه تاریخی وارد ایران شد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. گویا ابوالفتح گیلانی پزشک ایرانی تبار در دهلی، در زمان اکبرشاه تیموری (۹۶۴-۱۰۱۴ق) برای اولین بار دود را به منظور تصفیه از ظرف آبی عبور داده و بدین گونه قلیان را اختراع کرد (الگود، ۱۳۵۷: ۴۹). سپس قلیان برای نخستین بار در دوره صفوی از هندوستان وارد ایران شد و به نوشته سفرنامه‌نویسان اروپایی از همان زمان ایرانیان اقبال زیادی نسبت به آن نشان دادند (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۳۰۹؛ اولناریوس،

۱۳۶۳: ۲۷۳-۲۷۴). راوندی نوشته است: «از تواریخ و سفرنامه‌های زمان شاه‌عباس برمی‌آید که کشیدن قلیان و چپق در آغاز سلطنت وی چندان رونق نداشته و از اواسط پادشاهی او معمول گشته است» (راوندی، ۱۳۸۳: ۷/۲۱۸). سپس با گذشت زمان و روز به روز وابستگی ایرانیان به قلیان و قلیان‌کشی بیشتر شد تا جایی که در دوره قاجار این وسیله در سراسر ایران مصرف عام و گسترده پیدا کرد و همه مردم از شاه تا گدا از آن استفاده می‌کردند. نه تنها مردان در همه جا و همه وقت پُکی به آن می‌زدند، بلکه بسیاری از زنان نیز در اندرونی خانه‌ها قلیان استفاده می‌کردند.

اگرچه مصرف قلیان برای مردم ایران جنبه تفریحی و گذراندن وقت داشت، اما به تدریج ایرانیان سخت به آن وابسته شدند و به یک عادت گریزناپذیر و دائمی تبدیل شد؛ تا جایی که برای آنها از نان شب نیز واجب‌تر شده بود (متی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). فووریه^۱ پزشک فرانسوی ناصرالدین‌شاه در همین باره نوشته است: «این مسئله مبتلا به هر ایرانی بود زیرا کمتر کسی است در این مملکت از زن گرفته تا مرد، که دخانیات استعمال نکند. در هر خانه که قدم بگذارید قلیان نیز مثل چای و قهوه به شما تعارف می‌شود» (فووریه، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

در عصر قاجار کشیدن قلیان فقط مختص قهوه‌خانه‌ها و یا اندرون خانه‌ها نبود، بلکه در اماکن عمومی و خصوصی نیز به وفور انجام می‌گرفت. مردم در کاروان‌سراها، شکارگاه‌ها، تفریحگاه‌ها، حجره‌ها و تجارت‌خانه‌ها دور هم جمع می‌شدند و به کشیدن قلیان و نوشیدن قهوه و چای می‌پرداختند. کشیدن قلیان در مجالس تعزیه امامان و روضه‌خوانی‌ها (علویه کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۵۵) و یا در کلاس‌های حوزوی و درس طلبان نیز وجود داشت (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۰۷). حتی در مراسم تعزیه در تکیه دولت نیز قلیان‌چی‌ها بین مردم می‌چرخیدند و به حضار قلیان تعارف می‌کردند و قلیان‌ها دست به دست و دهان به دهان می‌چرخید (سرنا، ۱۳۶۳: ۱۸۷؛ بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۹۱). مردم در چنین مکان‌هایی که دور یکدیگر جمع می‌شدند، در کنار کشیدن قلیان و نوشیدن چای و قهوه به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پرداختند. در این مجالس از هر دری سخن گفته می‌شد. گفت‌وگوهای شخصی، ردّ و بدل کردن اطلاعات گوناگون، رواج شایعات و مسائل روزمره، مطایبه و بذله‌گویی‌های مختلف، قصه‌گویی و شعرخوانی و مباحث دینی و هنری (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰) از جمله اتفاقاتی بود که در این مجالس رخ می‌داد. البته مجالس قلیان‌کشی تنها به اماکن نام‌برده منحصر نمی‌شد، بلکه در حمام‌ها نیز بساط قلیان‌کشی رواج داشت. پیشخدمت‌های اشراف و اعیان در سربینه (کفش‌کن) حمام آماده بودند تا پس از بیرون آمدن اربابانشان از خزینه، برای تنوع و رفع

خستگی، قلیانی برای آنها چاق کنند و با چای و قهوه از آنها پذیرایی کنند (دروویل، ۱۳۸۷: ۶۸؛ انه، ۱۳۶۸: ۱۷). قلیان کشیدن در حمام فقط به مردان اختصاص نداشت، بلکه زنان اعیان و اشراف نیز اغلب از سربینه حمام برای آرایش کردن، کشیدن قلیان و گفت و گو استفاده می کردند.

در بازار اغلب حجره داران و بازاری ها در حجره های خود با قلیان از مشتری ها پذیرایی می کردند (بروگش، ۱۳۷۴: ۹۷؛ ویلس، ۱۳۶۳: ۲۰۶). این نوع پذیرایی در جلب توجه مشتریان و جذب آنها به حجره تأثیر زیادی داشت. ویلز^۱ که اطلاعات خوبی درباره افراد قلیان گش و مکان های قلیان کشی دارد، نوشته است حتی زندانبان ها و زندانی ها نیز در زندان قلیان می کشیدند. این پزشک که در عصر ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمده بود، معتقد است حتی برای محکومان به اعدام نیز قلیان می آوردند: «قبل از اجرای حکم بنا به درخواست یا میل محکوم ابتدا قلیان قبلاً آماده شده ای را به دستش می دادند. پس از خاتمه قلیان کشی و بردن قلیان، او را...» (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۴۳).

شاهان قاجار، شاهزادگان و مقامات درباری، هم در اندرونی و بیرونی قصرهای خود و هم به هنگام حمام رفتن و یا در زمان سفر و به ویژه هنگام شکار به کشیدن قلیان می پرداختند. به ویژه آنکه پس از خستگی زیاد در تعقیب شکار و تاخت و تاز در شکارگاه، آن هم زمانی که شکار خوبی صید کرده و دل و دماغی پیدا کرده بودند، دستور چاق کردن قلیان را صادر می کردند (جونز، ۱۳۸۶: ۲۱۱). بیشتر شاهان قاجار علاقه زیادی به کشیدن قلیان داشتند. ناصرالدین شاه یکی از شاهان قاجار بود که در کشیدن قلیان آن هم از نوع کوزه ای آن مشهور بود. مخبرالسلطنه هدایت نوشته است: «جز کوزه هیچ قسم قلیان به مجلس او نمی آوردند» (هدایت، ۱۳۶۳: ۷۲). عبدالله مستوفی نیز درباره قلیان کشیدن ناصرالدین شاه نوشته است: «شاه قلیان هم می کشید، ولی در این تفنن افراط نمی کرد و قلیان های او جز در موارد سلام نوروز، قلیان های عادی که کوزه بلور و سرقلیان اصفهانی با بادگیر طلا و جواهرنشان داشت، بوده است» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۰۴/۱).

شاه معمولاً پس از استحمام یا پس از انجام شکار قلیان می کشید. از مشهورترین قلیان های دوره این پادشاه، قلیان مخصوص سلام بوده است. در آیین های سلام شاهان قاجار که به مناسبت هایی چون عید نوروز یا عید فطر برگزار می شد، یکی از رسومات بردن قلیان مخصوص سلام به حضور شاه بود. این عمل که از دوران فتحعلی شاه قاجار آغاز شده بود، پس از وی نیز توسط جانشینانش ادامه یافت و رفته رفته به یک سنت دائمی تبدیل شد؛

به طوری که همه شاهان قاجار پس از فتحعلی‌شاه در مراسم سلام قلیان مخصوص آن را مورد استفاده قرار می‌دادند.

در زمان ناصرالدین‌شاه قلیانی که برای سلام استفاده می‌شد، قلیانی مُرّصع، الماس‌نشان و گران‌بها بود که پیشخدمت‌باشی مخصوص، مقابل شاه روی تخت می‌گذاشت و نی‌پیچ آن را به دست شاه می‌داد (هدایت، ۱۳۷۵: ۸۹). ناصرالدین‌شاه علاقه و توجه زیادی به استفاده از تجملات و رعایت تشریفات در مراسم‌های رسمی داشت؛ به همین دلیل در دوران سلطنت وی در مراسم سلام از قلیان جواهراندود و بسیار گران‌بهایی استفاده می‌کردند. دروویل^۱ که در سفرنامه‌اش با دقت هر چه تمام‌تر به جزئیات مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران پرداخته، درباره ارزش این قلیان مخصوص نوشته است: «قلیان پادشاه ایران که در روزهای سلام از آن استفاده می‌کند پوشیده از مروارید و الماس و زمرد و زبرجد است و به گفته برخی ارزش آن بالغ بر دو میلیون فرانک است» (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۰۱). معمولاً قلیان سلام را حکیم‌الممالک پیشخدمت‌باشی مخصوص شاه به حضور او می‌آورد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۵۲۰). شاه هنگام اجرای مراسم سلام، هر از گاهی پُکی به این قلیان می‌زد و برای حاضران سخنانی ایراد می‌کرد. البته از دوره مظفرالدین‌شاه به بعد این قلیان فقط یک قلیان تشریفاتی بوده و تنباکو و آتش و دودی نداشت (سپهر، ۱۳۶۸: ۴۹). عین‌السلطنه نوشته است: «قلیان سلام خیلی قیمتی است. جواهرهای خوب دارد، دود نمی‌دهد، آتش ندارد، همان قلیان سلام است دیگر ...» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۰۱۳/۲). وجود این قلیان مخصوص و مُرّصع در مراسم سلام شاهان قاجار در کنار تاج کیانی و الماس دریای نور و شمشیر مُکَلل به الماس، نشان دهنده اهمیت قلیان در عصر قاجار است و به‌ویژه نشان از علاقه و اشتیاق شاهان قاجار به قلیان و قلیان‌کشی دارد.

اقشار ممتاز و کالایی به نام قلیان

در دوره قاجار انواع مختلفی از قلیان و سرقلیان وجود داشت و معمولاً داشتن آن مایه افتخار برای هر خانواده ایرانی بود (کامرانی‌فر و معمار، ۱۳۹۰: ۱۰۷). هر قلیان از چهار قسمت تُنگ یا کوزه، بدنه یا میانه، سرقلیان و نی‌پیچ تشکیل می‌شد. تُنگ یا کوزه قلیان دارای انواع و اشکال مختلفی بود. به‌طور معمول از کوزه گلی پخته شده بود که آن را با رنگ و لعاب‌های مختلفی درست می‌کردند (دالمانی، ۱۳۷۸: ۵۸۴/۲) و یا درون یک عدد کدو را خالی می‌کردند و از پوسته آن کوزه قلیانی را به زیبایی درست می‌کردند. گاهی نیز از پوسته نارگیل، کوزه پرتجمل

و زیبایی که به آن «جوزه» یا «نارگیله» می‌گفتند، با مهارت هر چه تمام‌تر درست می‌کردند. قلیان در این دوران یک کالای مصرفی بود، اما ظرفیت تبدیل به یک کالای تزئینی را داشت و معمولاً اقشار بالای جامعه بیشتر به چشم یک کالای تزئینی به آن نگاه می‌کردند که می‌توانستند ذوق و سلیقه زیبادوستی خود را در آن متجلی کنند. زیبایی و ظرافت کوزه قلیان برای صاحبان متمول و مشخص قلیان بسیار اهمیت داشت و علاوه بر اینکه نشان دهنده ذوق هنری و زیبادوستی آنان بود، تفاخر و تشخص آنها را نسبت به دیگر اقشار منعکس می‌کرد. این افراد بیش از اینکه به قلیان به عنوان یک کالای مصرفی نیاز داشته باشند تا مثلاً به وسیله آن گذران وقت و یا خستگی خود را رفع کنند، نسبت به آن حس زیباشناختی داشتند و از این طریق فرصتی برای آنها فراهم می‌شد تا در حقیقت تشخص و تفاخر خود را به رخ فرودستان بکشند و فاصله خود را با آنها حفظ کنند؛ درست همان‌طوری که بورديو نوشته است: «مواضع زیباشناسانه‌ای که به‌طور عینی و ذهنی در زمینه‌هایی مانند آرایش، پوشاک یا دکوراسیون منزل اتخاذ می‌شود، فرصتی است برای تجربه کردن یا محرز ساختن و به رخ کشیدن موقعیت شخصی در فضای اجتماعی به عنوان رده یا مرتبه‌ای که باید رعایت شود یا فاصله‌ای که باید حفظ شود» (بورديو، ۱۳۹۰: ۹۴).

با توجه به این حس زیبادوستی اعیان و اشراف نسبت به قلیان، هنرمندان نیز فرصت مغتنمی به دست می‌آوردند تا اوج هنر خود را درباره آن به معرض نمایش بگذارند. آنان در مورد هیچ‌یک از اشیا به اندازه قلیان ذوق و هنر خود را نشان نمی‌دادند. بر روی کوزه قلیان اعیان و اشراف، نقش و نگارهای زیبا و مختلفی چون شکار حیوانات، مجلس بزم و رقص و یا برگ‌های گل و گیاه حکاکی و قلم‌زنی می‌کردند و یا این تصاویر را با مفتول‌هایی از طلا و نقره و یا قطعاتی از فیروزه، یاقوت کبود و زبرجد زینت می‌دادند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۴۲؛ اورسل، ۱۳۵۳: ۱۲۸). ماساهارو^۱ درباره ظرافت، زیبایی و گران‌قیمت بودن قلیان اقشار بالای جامعه نوشته است: «کوزه قلیان اعیان و اشراف بسیار زیبا و جواهرنشان است و سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت، الماس و فیروزه با طرح‌های زیبا روی آن کار گذاشته شده است» (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۰۸). این در حالی بود که برعکس، اقشار پایین یا اصولاً قلیان استفاده نمی‌کردند و چپق می‌کشیدند و یا اگر که ضرورت کشیدن قلیان را احساس می‌کردند، به قهوه‌خانه می‌رفتند و یا از قلیان فروش‌های دوره‌گرد قلیان می‌خریدند و دود می‌کردند. درباره چپق باید گفت وسیله اصلی و اساسی تدخین مردمان عادی و فرودست جامعه بود. در گذشته بعضی پادشاهان مانند شاه‌صفی صفوی از چپق استفاده می‌کردند، اما به‌تدریج از ارزش چپق

کاسته شد و در دوره قاجار بیشتر مورد استفاده مردم عادی قرار گرفت (سمسار، ۱۳۴۲: ۲۴). افراد فرودست غالباً قلیان شخصی و خانگی نداشتند؛ حتی اگر عده اندکی از آنها قلیان خانگی داشتند، ساده و عاری از هرگونه نقش و نگار و به‌ویژه طلاکاری و نقره‌کوبی بود؛ زیرا از منظر توده مردم، اصل نیاز به قلیان‌کشی برای گذران وقت یا رفع خستگی، از اولویت بیشتری برخوردار بود و نسبت به ظرافت و زیبایی قلیان بسیار مهم‌تر بود. اصولاً برای طبقات پایین توجه به ضرورت‌های اقتصادی و نیازهای فردی در صدر خواسته‌ها و تمایلات قرار داشت و رفع نیازهایشان برای آنها اساسی‌تر از هرگونه اهداف هنری و زیباشناختی بود که از نظر آنها تعلقات و تمایلاتی از سر دل‌خوشی و سیری شکم بود. بوردیو نوشته است: «گردن نهادن به جبر و ضرورت که مردمان طبقه کارگر را به «ذائقه» عمل‌گرا و کارکردگرایانه‌ای متمایل می‌کند که بی‌غرضی و بیهودگی فعالیت‌های صوری و همه اشکال هنر برای هنر را انکار می‌کنند، اصل بنیادی همه انتخاب‌های زندگی روزمره و فن و هنر زندگی است که مقاصد زیباشناختی را به منزله انحراف نفی و طرد می‌کنند» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۲۰).

حتی بدنه یا میانه قلیان اعیان که غالباً از چوب ساخته می‌شد و دو قسمت سر قلیان و کوزه قلیان را به یکدیگر متصل می‌کرد، به نظر می‌رسید بیشتر کاربرد مصرفی دارد تا تزئینی؛ همچنین خالی از تفاخر اشرافی نبود و معمولاً میانه‌های قلیان اعیان و اشراف به طرز زیبایی مثبت‌کاری و نقاشی می‌شد. البته یکی از مهم‌ترین قسمت‌های قلیان، سر قلیان بود که می‌توانست بالا بودن سطح ثروت، شهرت و پایگاه طبقاتی اعیان و اشراف را نمود دهد و به رخ دیگران بکشاند؛ یا به عبارتی اقشار بالای جامعه کوشش می‌کردند از این طریق هویت اجتماعی-اقتصادی خود را حفظ و منعکس کنند. ظرافت‌کاری‌های روی سر قلیان و استفاده از جواهرآلات و سنگ‌های قیمتی، نشان دهنده تمول اقتصادی و تشخیص اجتماعی افراد بوده است. دو روشسوار^۱ درباره سر قلیان‌های طلا و میناکاری شده در عصر قاجار نوشته است: «در میان ایرانیان مال‌دار کم هستند کسانی که یک یا دو سر قلیان از طلای میناکاری شده نداشته باشند...» (دو روشسوار، ۱۳۷۸: ۱۸۹). اعیان و اشراف استفاده از قلیان‌ها و سر قلیان‌های معمولی بدون نقش و نگار و بدون جواهرآلات و فلزات گران‌بها را بر نمی‌تابیدند و شایسته شأن و جایگاه اشرافی خود نمی‌دانستند. هر یک از آنان سر قلیان‌های متعددی از طلا و نقره داشتند که الماس‌نشان و فیروزه‌نشان و بسیار گران‌بها بود. ویلز نوشته است: «من به چشم خود سر قلیان‌هایی را دیدم که جنس ساقه تا زیر کاسه آن از چینی و خود کاسه از نقره خالص بود... البته این نوع قلیان و سر قلیان‌های عتیقه و گران‌قیمت معمولاً مخصوص طبقه‌ای خاص از اغنیا

است» (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۶). گفتنی است فراتر از اغنیا و ثروتمندان جامعه، این شاهان قاجار، شاهزادگان، شاهدخت‌ها و زنان حرمسرای سلطنتی بودند که هر یک از آنها قلیان‌های زیبا و گران‌قیمت متعددی با سرقلیان‌های مُرَصَّع و ساخته شده از طلا و نقره داشتند (عضدالدوله، ۱۳۵۵: ۸۹). داشتن سرقلیان‌های مُرَصَّع و مُطَّلَا نشان دهنده هویت و منزلت بالا و اصالت قجری آنها بود. برای مثال، مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه و عزیزالدوله خواهر ناصرالدین‌شاه تا به آن اندازه قلیان و سرقلیان‌های مُرَصَّع و طلا و نقره‌کاری در اتاق‌ها و انبارهای خود داشتند که به گفته معیرالممالک: «آن اندازه حتی در هیچ موزه‌ای یا در دکان هیچ زرگری یافته نمی‌شد» (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

یکی از عادات و تفریحات مرسوم اعیان و اشراف این بود که قلیان و به‌ویژه سرقلیان‌های مُرَصَّع و گران‌بهای خود را در دید و بازدیدها و دوره‌می‌ها به یکدیگر نشان می‌دادند و یا به عنوان تعارفی به یکدیگر هدیه می‌دادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۸۲؛ امین لشکر، ۱۳۷۸: ۲۵۵). البته این هدایا فقط در درون طبقات بالا رد و بدل می‌شد و آنها با این هدایای گران‌قیمت می‌خواستند بیش از اینکه دوستی و محبت خود را به طرف مقابل نشان دهند، میزان ثروت و مکنت خود را به رخ دیگر اعیان و اشراف بکشند. این در حالی بود که زنان و مردان متعین از تعارف کردن چنین سرقلیان‌های گران‌بهایی به اقشار پایین دریغ می‌ورزیدند و این کار را شایسته مقام و جایگاه خود نمی‌دانستند. در میان اعیان و اشراف، خرید و فروش یا معاوضه قلیان و به‌ویژه سرقلیان‌های طلا و نقره‌کاری شده رواج زیادی داشته و به یک عادت روزمره تبدیل شده بود.

نی‌پیچ نیز یکی دیگر از قسمت‌های قلیان بوده است که تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی عصر قاجار را به ما منعکس می‌کند. بروگش^۱ اندازه نی‌پیچ قلیان را در نشان دادن مقام و جایگاه اعراب مؤثر دانسته و نوشته است: «نزد اعراب هرچه مقام و موقعیت اجتماعی شخص مهم‌تر باشد، نی‌پیچ قلیانش درازتر است» (بروگش، ۱۳۷۴: ۸۵)، اما در میان اقشار ممتاز عصر قاجار کیفیت و شکل قلیان بر کمیت و حجم و اندازه آن برتری داشته و آنان غالباً به ظاهر قلیان توجه بیشتری داشتند و تلاش می‌کردند از طریق زیباسازی قلیان، تمایز خود با دیگران را منعکس کنند. به‌طور معمول نزد اعیان و اشراف حجم و اندازه اشیا و کالاها نیز بی‌اهمیت نبوده، اما زیبایی شکل و ظاهر کالاها بر حجم و اندازه آنان برتری داشته است؛ زیرا حس زیبایی‌دوستی اقشار بالا باعث می‌شد بیشتر از حجم کالاها به شکل آنها توجه داشته باشند. البته تصاویری که از قلیان‌های عصر صفوی در بعضی سفرنامه‌های اروپایی وجود دارد نشان

می‌دهد که بیشتر زنان و مردان فرادست نی‌پیچ‌های بسیار بلندی در دست دارند تا جایی که حتی قلیان محمدرضاییگ سفیر شاه در فرانسه چنان نی‌پیچ بلندی داشت که قلیان‌چی آن را از بیرون کالسکه به درون آن می‌داد و سفیر استفاده می‌کرد (سمسار، ۱۳۴۲: ۱۸). در عصر قاجار نی‌پیچ قلیان‌های اشراف و اعیان از نظر اندازه معمولی بود، اما در عوض با نقش و نگارها و یا با پوشش زیبایی آراسته می‌شد. البته آنان در این دوره علاوه بر نی‌پیچ از شیلنگ نرم، سبک و درازی استفاده می‌کردند که گاهی بین پانزده تا بیست پا طول داشت (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۰۰). با توجه به اینکه اعیان و اشراف سوار بر اسب نیز قلیان می‌کشیدند، در چنین مواقعی به جای نی‌پیچ از چنین شیلنگ‌های درازی استفاده می‌کردند.

تمایزات اجتماعی در تنباکو که ماده اصلی کشیدن قلیان بود نیز کاملاً مشهود بود. مرغوب‌ترین تنباکویی که در ایران به دست می‌آمد، تنباکوی مزارع شیراز و لار بود که در اصطلاح محلی به آن «تنبک» یا «هکون» می‌گفتند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۲؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۴۱/۲). اعضای عالی جامعه برگ‌های اعلاترین تنباکوی موجود در ایران را بر روی قلیان‌های خود می‌گذاشتند و دود می‌کردند، اما افراد فرودست و فقیر جامعه که توان استفاده از برگ تنباکوی اعلا و گران‌قیمت را نداشتند، به‌ناچار ساقه‌ها و رگه‌های تنباکو را سرنند می‌کردند و مورد استفاده قرار می‌دادند (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۳۹).

قلیان‌چی‌های اشراف و وظایف آنها

از آنجا که قلیان کشیدن امر تفنّنی، پرخرج و پرزحمت بوده، اعیان و اشراف که از یک طرف اشتیاق زیادی به کشیدن قلیان داشته‌اند و از طرف دیگر، خود از عهده آماده‌سازی و چاق کردن قلیان بر نمی‌آمدند و یا انجام چنین کاری را دون شأن خود می‌دانستند، برای این امر یک آبدارچی یا پیشخدمت مخصوصی را به کار می‌گرفتند. در عصر صفوی شاه‌صفی جوانی را برای آماده‌سازی چپق و قلیان شخصی خود به کار گماشته بود (سمسار، ۱۳۴۲: ۱۶). بر همین اساس شاید بتوان گفت از همان زمان شغل قلیان‌چی‌گری یا قلیان‌داری در ایران به وجود آمده است. کمپفر^۱ که پس از شاه‌صفی، در روزگار سلطنت شاه‌سلیمان صفوی به ایران آمده بود، نوشته است: «قلیان‌دارها قلیان‌های شاه را حمل می‌کنند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۳۹). در عصر قاجار وظیفه آماده‌سازی و چاق کردن قلیان برای طبقات ممتاز و ثروتمندان برعهده همین پیشخدمت مخصوص بود که قلیان‌چی نام داشت و تحت نظر رئیس آبدارخانه بود. او که در انجام این کار خبرگی و مهارت داشت، وظیفه‌اش این بود که در سفر و حضر همراه اربابش باشد و قلیان

و وسایل چاق کردن آن را به همراه داشته باشد تا هر وقت که ارباب هوس کشیدن قلیان کرد، بی‌درنگ قلیان مخصوص او را آماده کند. قلیان‌چی به هنگام سفر ارباب، قلیان سفری او و اسباب آن را به همراه داشت و در دو جعبه به زین اسب خود آویزان می‌کرد. در یک جعبه کوزه و نی‌پیچ قلیان و در جعبه دیگر سرقلیان، انبر و تنباکوی نمودار را به همراه یک بطری آب در طرف دیگر زین اسب می‌آویخت (فووریه، ۱۳۸۹: ۳۱۲). همچنین در مواقع غیرمسافرت نیز قلیان‌چی همیشه آماده بود تا قلیان شهری ارباب خود و اسباب آن را مهیا سازد و برای او یا مهمانانش چاق کند.

مستوفی نوشته است: «آقا که از خانه بیرون می‌رفت، حکماً قلیان‌چی با قلیان و کیف تنباکوی خیس کرده که پر شال آویخته و انبری که مثل قلمدان آقا بر سر کمر زده بود باید همراه باشد» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲۸/۱). در مجالس بزرگان، قلیان‌چی‌ها برای بردن قلیان ارباب خود به مجلس، بر دیگران سبقت می‌گرفتند؛ زیرا بردن قلیان ارباب به مجلس قبل از قلیان دیگران، نه تنها نشان دهنده تشخیص اجتماعی ارباب بود، بلکه زرنگی و چالاکی قلیان‌چی را نیز نشان می‌داد. مستوفی در این باره نوشته است: «... جلو رفتن قلیان علامت احترام صاحب قلیان بود و چنان ضابطه داشت که هیچ وقت بین پیشخدمت‌ها اختلافی حاصل نمی‌شد» (همان، ۲۲۹/۱). اشراف و اعیان در صورت بروز چنین زرنگی و شایستگی‌هایی از قلیان‌چی خود، او را مورد تشویق قرار می‌دادند؛ زیرا توانسته بود شأن و منزلت ارباب خود را حفظ کند. یکی از عادات اشراف و ثروتمندان این بود که هنگام مسافرت، سوار بر اسب یا درشکه نیز قلیان می‌کشیدند. بنابراین قلیان‌چی به هنگام سفر در کنار اسب ارباب، درحالی‌که با دست راست قلیان را گرفته و با دست چپ افسار اسب را گرفته بود، پیاده حرکت می‌کرد و ارباب سوار بر اسب قلیان می‌کشید. در مواقع غیرسفر نیز قلیان‌چی با کمی فاصله عقب‌تر از ارباب می‌نشست و ته قلیان را بر روی میز کوتاهی قرار می‌داد و آن را ثابت نگه می‌داشت تا اربابش در جلو با تفاخر هرچه تمام‌تر، درحالی‌که بر مخده‌ای تکیه داده بود، قلیان بکشد (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۵). گاهی بعضی از اعیان و اشراف برای تشخیص و تفاخر بیشتر، حتی برای آماده‌سازی و چاق کردن قلیان تا رساندن آن به دست ارباب، چند نفر نوکر را به خدمت می‌گرفتند. عین‌السلطنه نوشته است: «آبدار ممکن نیست قلیان هم چاق کند، حکماً قهوه‌چی لازم است. قهوه‌چی آب قلیان را می‌دهد به شاگرد قهوه‌چی بریزد. آنوقت یک نفر دیگر که پیشخدمت می‌گویند قلیان را به اطاق می‌برد» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۸۴۰/۴).

فراتر از اعیان و اشراف، شاهان و شاهزادگان قاجار نیز قلیان‌چی‌های مخصوص خود را داشتند که در سفر و حضر در رکاب آنها بودند تا هر لحظه که میل کشیدن قلیان داشتند، قلیان

را برای آنها آماده کنند. به هنگام مسافرت شاه، قلیان‌چی‌ها بخشی از اردوی او را تشکیل می‌دادند. در دو طرف زین اسب قلیان‌چی شاه، جعبه‌ای با روکش زیبا و گل‌دوزی شده وجود داشت که در یکی از آنها چوب قلیان و دیگر وسایل آن و در دیگری کوزه قلیان گذاشته شده بود. ناصرالدین‌شاه حتی قلیان‌چی خود را در سفر به اروپا همراه خود می‌برد (Matthee, 2005: 224). کارلا سرنا^۱ نوشته است: «در زیر رکاب قلیان‌چی شاه، سطل و منقلی از نقره خالص آویخته است که غالباً دارای نقش و نگاری هنرمندانه و سطل‌ها از زغال چوب انباشته‌اند» (سرنا، ۱۳۶۳: ۱۱۸).

قلیان‌چی‌ها علاوه بر اینکه با رموز آماده‌سازی قلیان و چاق کردن آن آشنا بودند، باید با آداب پذیرایی در مجالس اعیان نیز آشنایی داشته باشند. اینکه چگونه قلیان را به حضور ارباب و یا میهمانش ببرند و چگونه به آنها قلیان تعارف کنند و اینکه سلسله‌مراتب و جایگاه اجتماعی افراد متشخص را بدانند و رعایت کنند، از مهم‌ترین مسائلی بود که هر قلیان‌چی باید با آن آشنا می‌بود. چنانچه قلیان‌چی این آداب و تعارفات را به جای نمی‌آورد، یا سلسله‌مراتب اشخاص را نمی‌دانست و رعایت نمی‌کرد، به شدت مورد توبیخ و ملامت اربابش قرار می‌گرفت. درباره جایگاه اجتماعی قلیان‌چی در عصر قاجار نیز باید گفت آنان نه تنها جایگاه چندان رفیعی نداشتند، بلکه در سطح یک آبدارچی معمولی بوده‌اند. هرچند دو روششوار به درستی قلیان‌چی‌گری را از پست‌ترین مشاغل خدمتکاری دانسته، اما به علت عدم شناخت جامعه ایران دچار اشتباه شده و در سخنان متناقض بدون آنکه نام افراد مذکور را بیان کند، نوشته است: «من از حکمران‌های ایالات و ولایات کسانی را می‌شناسم که در گذشته قلیان‌بردار بوده‌اند» (دو روششوار، ۱۳۷۸: ۱۱۱). روشن نیست که این افراد چه کسانی بوده‌اند؟ البته واضح است که آقا ابراهیم (پدر امین‌السلطان صدراعظم) آبدارباشی - نه قلیان‌چی - مخصوص ناصرالدین‌شاه که نفوذ زیادی بر مزاج شاه و دربار او داشت، یک استثناء بود. نقش و اهمیت قلیان‌چی برای شاهان قاجار تا آن اندازه ضروری بود که ناصرالدین‌شاه طی سفرهای خود به اروپا، آقا جبار قلیان‌چی خود را به همراه برد تا برای وی قلیان چاق کند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۰۴/۱). البته آنچنان که دو روششوار گفته، این‌گونه نبود که قلیان‌چی‌ها به حکمرانی ایالات و ولایات منصوب شوند.

طی دوره قاجار علاوه بر قلیان‌چی‌های اشراف و بزرگان، عده‌ای قلیان‌فروش سیار و دوره‌گرد نیز در سراسر کشور وجود داشتند که همراه با قلیان، تنباکوی نم‌دار و زغال گذاخته در هر کوی و برزن گردش می‌کردند و با تعریف و تمجید از قلیان خود، آن را برای مشتریان

علاقه‌مند به قلیان‌کشی چاق می‌کردند (ویلس، ۱۳۶۳: ۳۰۹). این قلیان‌ها را معمولاً مردم عادی و طبقات فرودست مورد استفاده قرار می‌دادند که به علت عدم تمکّن مالی و توجه به ضرورت‌های اقتصادی، از در اختیار داشتن قلیان‌های گران‌قیمت و قلیان‌چی‌های ماهر و کاربلد محروم بودند. اقشار عالی جامعه استفاده از خدمات قلیان‌چی‌های دوره‌گرد و سیار را بر خود روا نمی‌دانستند؛ زیرا دوست داشتند قلیان کشیدن آنها نیز مثل سایر امورات زندگی‌شان در کمال سلیقه و زیبایی انجام شود. کشیدن چنین قلیان‌هایی در عصر قاجار ارزان بوده و خرج چندانی نداشت. بیشتر رجال و اشراف قلیان‌های زیبای خانگی داشتند که قلیان‌چی مخصوص برای آنها آماده می‌کرد، اما اقشار پایین‌تر جامعه که توانایی خرید قلیان و به‌ویژه توانایی داشتن قلیان‌چی را نداشتند، غالباً یا چپق می‌کشیدند که هزینه بسیار کمی داشت و یا به‌ناچار برای رفع خستگی به قلیان‌چی‌های دوره‌گرد و یا قهوه‌خانه‌ها مراجعه می‌کردند و با پرداخت مبلغ ناچیزی به کشیدن قلیان می‌پرداختند. به نوشته بنجامین^۱: «افراد فقیر و بی‌بضاعت قلیان روزانه خود را در قهوه‌خانه‌های بازار ضمن صرف چای می‌کشند. آنها با پرداخت مبلغی جزئی در حدود یک یا دو سنت می‌توانند یک چای صرف کنند و یک قلیان بکشند و در حدود ده تا پانزده دقیقه استراحت کنند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۳۱۱).

افراد فرودست همانند فرادستان چندان در قید و بند زیبایی شکلی و ظاهری قلیان نبودند، بلکه حس نیاز به استفاده از قلیان برای رفع خستگی، آنها را به قلیان‌چی‌های دوره‌گرد متوسل می‌کرد و یا به قهوه‌خانه‌ها می‌کشاند تا زمانی را به دود کردن قلیان اختصاص دهند؛ همان حس «رفع نیاز» و «ضرورت» که بورديو آن را ویژگی اساسی سبک زندگی اقشار فرودست جامعه دانسته است. او بر این باور بود که: «برای طبقات کارگر جبر و ضرورت در بردارنده همه معنایی است که معمولاً با این کلمه مستفاد می‌شود؛ یعنی محرومیت‌گریزناپذیر از کالاهای ضروری. ضرورت نوعی سلیقه ضروری‌پسند را تحمیل می‌کند که بیانگر شکلی از سازگاری با ضرورت و سپس پذیرش ضرورت است؛ تسلیم شدن در برابر امور محتوم و اجتناب‌ناپذیر» (بورديو، ۱۳۹۰: ۵۱۳). منظور از نیازها ضروریاتی است که برای زندگی مورد نیاز است. در این معنی نیازمند بودن برای افرادی که در طبقات بالای جامعه زندگی می‌کنند، بی‌معناست. آنها به بیشتر اهدافی که می‌خواهند دست می‌یابند؛ بنابراین برای آنها دیگر نیازها حالت اورژانسی و فوریتی خود را از دست می‌دهد. وقتی انسان از مرحله برآورده شدن نیازهای اساسی‌اش بگذرد، دیگر نگرانی‌های خاص این مرحله را ندارد و حالا فرصتی به دست می‌آورد تا آزادانه به فعالیت‌های هنری و یا دیگر فعالیت‌های زیباشناختی و مورد

علاقه‌اش بپردازد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۹). وجه مشخصه عادت‌واره طبقات پایین، به میزان بسیار زیادی مبتنی بر درک ضرورت‌ها و انطباق با آنهاست. در این راستا توجه به فوریت‌های زندگی آنها را به سمت ذائقه‌ها یا گزینه‌هایی سوق می‌دهد که آنها را نسبت به اعمال زیباشناختی بی‌تفاوت می‌کند (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۹۹).

آداب قلیان‌کشی در عصر قاجار و رعایت جایگاه اجتماعی

مجالس قلیان‌کشی در عصر قاجار آداب و رسوم خاص خود را داشت و نه تنها قلیان‌چی‌ها، بلکه همه قلیان‌کش‌ها باید با این آداب آشنایی داشتند و آن را محترم می‌شمردند و رعایت می‌کردند. قلیان‌کشی با تعارفات و احترامات خاصی همراه بود و سلسله‌مراتب اجتماعی افراد به شدت در آن رعایت می‌شد. هنگامی که یک مهمانی به دیدار میزبان مشخص و متمول خود می‌رفت، به دستور میزبان قلیان توسط قلیان‌چی وارد مجلس می‌شد. پس از آوردن قلیان، میزبان ضمن ادای احترام به مهمان اولین پُک را خود به قلیان می‌زد تا آن را برای استفاده مهمان آماده و چاق کند. سپس قلیان را به مهمان محترم خود تعارف می‌کرد و در اختیار او قرار می‌داد. اگر تعداد حاضران بیش از یک نفر بود، مهمان رو به اطرافیان می‌کرد و ضمن تکان دادن سر به آنها تعارف می‌کرد تا در صورت تمایل چند پُکی به قلیان بزنند. بروگش درباره پذیرایی با قلیان نوشته است: «پذیرایی بنا به تشخیص خدمتکار یا صاحب‌خانه، به ترتیب از افراد مهم‌تر و مسن‌تر آغاز می‌شود و به همان ترتیب ادامه می‌یابد تا به کم‌اهمیت‌ترین شخص حاضر در مجلس برسد» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

در پذیرایی‌های رسمی و یا تشریفاتی، معمولاً اول با چای یا قهوه از مهمانان پذیرایی می‌شد و سپس قلیان را به مجلس می‌آوردند. طی هر مهمانی ممکن بود از یک تا سه بار قلیان به مجلس آورده شود. معمولاً قلیان سوم را قلیان خداحافظی می‌نامیدند و نشانه رفتن مهمان بوده است (رایس، ۱۳۸۳: ۱۳۵). پولاک^۱ که در میان سیاحان اروپایی دقیق‌ترین و مفصل‌ترین آگاهی‌ها را درباره عصر ناصرالدین‌شاه ارائه داده، در همین باره نوشته است: «مقامات و شخصیت‌ها اغلب خود خواهان سومین قلیان می‌شوند تا از این رهگذر نوکران خود را برای رفتن هشدار بدهند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۴۰). طبع لطیف و اشرافی ایرانیان اقتضا می‌کرد که هر بار یک نوع و شکل قلیان به مجلس آورده شود و یا دست‌کم قلیان را با سرقلیان تازه‌ای بیاورند تا مهمانان تفاوت و تنوع را احساس کنند. اگر چند نفر مهمان هم‌رتبه و هم‌شان در مجلس حضور داشت، برای رعایت ادب و حفظ شأن همه مهمانان و جلوگیری از دلخوری و رنجش

آنها، قلیانچی‌ها به تعداد مهمانان قلیان به مجلس می‌آوردند و در یک لحظه به همه آنها قلیان تعارف می‌کردند و هر یک از قلیان‌ها را جلوی یکی از آنها بر زمین می‌گذاشتند. البته اگر در میان مهمانان یکی از همه عالی‌رتبه‌تر و مشخص‌تر بود، فقط یک قلیان می‌آوردند و نزد او می‌بردند. به‌طور معمول آن شخص عالی‌رتبه نیز قلیان را قبل از دود کردن به سایر مهمانان تعارف می‌کرد. بنجامین نوشته است: «این صرفاً یک تعارف است و چنانچه شخصی این تعارف را پذیرفته و قبل از آن مقام عالی‌رتبه، قلیان را بر لبان خود نزدیک کند، مثل این است که توهین بزرگی به آن مقام عالی‌رتبه کرده و باید در انتظار عکس‌العمل شدید او باشد» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۱). ذکر اتفاقی که در یک مجلس قلیان‌کشی در عصر قاجار رخ داده، بهتر می‌تواند ابعاد تشخیص‌گرایی در مجالس قلیان‌کشی را منعکس کند. گویا روزی میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک صدراعظم ناصرالدین‌شاه و میرزا محمدخان سپهسالار در مجلسی نشسته بودند که قلیانی توسط قلیانچی وارد مجلس شد. او ابتدا آن را نزد محمدخان برد و جلوی او بر زمین گذاشت و پس از اینکه محمدخان چند پُکی به قلیان زد، قلیانچی آن را برداشت و جلوی مستوفی‌الممالک گذاشت، اما وی با ناراحتی اظهار داشت که کشیدن قلیان را ترک کرده است (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲۸/۱). واقعیت این بود که مستوفی‌الممالک که از نظر مقام و جایگاه، میرزا محمدخان را پایین‌تر از خود می‌دانست، این عمل را دال بر توهین و بی‌احترامی به شخصیت خود به حساب آورد و به همین سبب سوگند خورد تا زنده است دیگر قلیان نکشد. به گفته بنجامین: «به خاطر همین اتفاق مدت چهل سال است که مستوفی‌الممالک لب به قلیان نزده است» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۱). این نکته نشان می‌دهد که به روزگار قاجار، حس تشخیص‌گرایی اشراف و مقامات باعث می‌شد تا آنان دقت و حساسیت زیادی بر روی مسئله تقدم و تأخر در مجالس قلیان‌کشی، رعایت سلسله‌مراتب اجتماعی و حفظ شأن و جایگاه خود در این‌گونه مجالس داشته باشند و چه بسا رنجش‌های بسیاری که از این امر به وجود می‌آمد. حتی در آن روزگار اگر یکی از اشراف و اعیان، اجازه می‌داد تا فردی فرودست‌تر از وی، قبل از او در مجالس قلیان بکشد، سخت مورد انتقاد و سرزنش افراد قشر ممتاز قرار می‌گرفت که چرا اجازه چنین کاری را به آن فرد داده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۴۸). رعایت سلسله‌مراتب اجتماعی در مجالس قلیان‌کشی سخت مورد علاقه و پسند اعیان و اشراف بود. هنگامی که چند تن از اعیان و اشراف در مجلسی بودند و قلیانچی‌های آنها می‌خواستند قلیان‌های آماده شده را برای اربابان خود ببرند، هر قلیانی که جلوتر از بقیه برده می‌شد، به معنای محترم و مشخص بودن صاحب آن تلقی می‌شد. بنابراین هر قلیانچی تلاش می‌کرد پیش‌دستی کند و قلیان چاق کرده را زودتر از بقیه به دست ارباب خود برساند تا

بدین وسیله جایگاه و منزلت او را حفظ کند. پولاک در همین زمینه نوشته است: «این نوکرها در خدمت به اربابشان به یکدیگر پیش‌دستی می‌کنند تا از این رهگذر مزیت و منزلت آنان را تصریح کرده باشند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۸). حتی علما نیز از این قاعده مستثنی نبودند و روی این مسئله حساسیت زیادی به خرج می‌دادند. معمولاً قلیان‌چی‌های علما اصرار داشتند که قلیان علما باید قبل از قلیان دیگران وارد مجلس شود و به گفته مستوفی: «اغلب به همین خاطر قلیان علما زودتر از قلیان دیگران وارد مجلس می‌شد» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲۸/۱). در آن روزگار خوردن سیر توسط شخص قبل از کشیدن قلیان در مجالس بزرگان پسندیده نبود؛ زیرا باعث می‌شد بوی بد آن به نی‌پیچ قلیان منتقل شود و افراد بعدی که از آن قلیان استفاده می‌کردند، ناراحت شوند و حتی بعضی از قلیان‌چی‌ها برای اینکه بوی تند تنباکو اربابشان را مکدر نکند، با ریختن مقداری عطر گل یا گلاب در درون کوزه قلیان، آن را خوشبو و معطر می‌کردند (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۳۲؛ جکسن، ۱۳۸۳: ۶۸).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار تفاوت‌ها و تمایزات زیادی در سبک زندگی ایرانیان وجود داشته است. اگرچه در مصرف مواردی چون خوراک، پوشاک، خانه، اسباب‌خانه و غیره تمایزاتی میان اقشار و گروه‌های اجتماعی وجود داشت، اما این تمایزات در مصرف کالای فرهنگی، هنری و به‌ویژه شیوه‌های گذران اوقات فراغت بیشتر به چشم می‌خورد. به علت رواج گسترده قلیان و قلیان‌کشی در ایران عصر قاجار، این عمل به یکی از پررونق‌ترین شیوه‌های گذران اوقات فراغت و جزء مهمی از سبک زندگی ایرانیان تبدیل شده بود. بر همین اساس، در این پژوهش تلاش شده است تا وجوه تفاوت و تمایز طبقاتی در مسئله قلیان و قلیان‌کشی براساس مفهوم «تمایز اجتماعی» ابداعی پیر بوردیو مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. بوردیو در مطالعه و بررسی سبک زندگی، از سلیقه زیباشناختی طبقات فرادست جامعه در مصرف کالاها و اشیا سخن گفته و معتقد است که افراد طبقات بالا با داشتن ویژگی «حس تشخیص» و از طریق سلیقه زیباشناختی که دارند، در نوع و شکل مصرف، خود را از دیگر اقشار و طبقات جامعه متمایز می‌کنند. درحالی‌که مصرف اقشار فرودست تنها براساس «رفع نیاز» تعریف می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مصرف قلیان در دوره قاجار به سبب عمومیت یافتن آن در بین ایرانیان و ظرفیت‌هایی که برای نشان دادن هنرهای تزئینی داشته است، فرصت مناسب و مغتنمی را در اختیار اقشار ممتاز جامعه قرار می‌داد تا از طریق آن تمایز خود نسبت

به اقشار پایین‌تر را نشان دهند. اعیان و اشراف براساس سلیقه هنری و زیباشناختی خود، مصرف قلیان را وسیله‌ای برای تفاخر و تشخیص خود نسبت به مردم عامه در نظر می‌گرفتند، اما اقشار فرودست که ضرورت‌های اقتصادی را مد نظر داشتند، قلیان را به چشم وسیله‌ای برای رفع نیاز یا رفع خستگی پذیرفته بودند و چندان در قید و بند زیبایی ظاهری و هنری قلیان نبودند. بنابراین برخلاف اقشار بالای جامعه که قلیان‌ها و سرقلیان‌های گران‌قیمت مَرصَع، طلاکوب، نقره‌کاری شده و الماس‌نشان و قلیان‌چی‌های مبادی آداب داشتند، اقشار پایین جامعه اغلب یا قلیان خانگی نداشتند و به جای آن از چپق که کم‌هزینه بود، استفاده می‌کردند و یا در صورت نیاز به قلیان، به قلیان‌چی‌های دوره‌گرد و یا قهوه‌خانه‌ها روی می‌آوردند و نیاز خود را به صورت ارزان‌تر برآورده می‌کردند. البته بعضی از آنان که درآمد بیشتری داشتند، قلیان‌های ساده و ارزان‌قیمتی را نیز در منزل مورد استفاده قرار می‌دادند. از سوی دیگر، اعیان و اشراف علاوه بر اینکه تفاخر و تشخیص خود را در شیوه‌های قلیان‌کشی نشان می‌دادند - برای مثال، سوار بر اسب یا درون درشکه یا در حال تکیه دادن به مخده قلیان می‌کشیدند - به شدت علاقه‌مند به حفظ و رعایت جایگاه و سلسله‌مراتب اجتماعی خود در مجالس قلیان‌کشی بودند. این نکته که در این مجالس، تقدم و تأخر قلیان کشیدن افراد براساس شأن و جایگاه اجتماعی آنها رعایت شود، به شدت مطلوب و مورد توجه آنان بود و حساسیت زیادی روی این موضوع نشان می‌دادند. همه این موارد نشان می‌دهد که در دوره قاجار قلیان و قلیان‌کشی می‌توانست به وضوح و حتی آشکارتر از سایر وجوه سبک زندگی، تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی را حفظ و به ما منعکس کند.

اقشار اجتماعی ایران و مسئله قلیان و قلیان‌کشی در عصر قاجار

- در تملک داشتن قلیان و سرقلیان‌های گران‌قیمت
- داشتن قلیان چی مخصوص
- داشتن حس تشخیص و تمایز
- حفظ و رعایت سلسله‌مراتب اجتماعی
- هدیه دادن قلیان و سرقلیان‌های اعلی
- برخوردار بودن از سلیقه و حس زیباشناختی

اقشار فرادست



منابع و مأخذ

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۹)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، مقدمه و فهرس از ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- الگود، سیریل (۱۳۵۷)، *طب در دوره صفویه*، ترجمه محسن جاویدان، تهران: دانشگاه تهران.
- امین لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۸)، *روزنامه خاطرات امین لشکر*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریگشت، تهران: انتشارات اساطیر.
- انه، کلود (۱۳۶۸)، *اوراق ایرانی*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، افست، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- اولیویه، جی. بی. (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- اولناریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه اولناریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، *در سرزمین آفتاب*، ترجمه محمد جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- بنجامین، س. ج. و. (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، *تمایز (نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی)*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بون‌ویتز، پاتریس (۱۳۹۰)، *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو*، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: آگه.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، چاپ دوم.

- تانکوانی، زی. ام. (۱۳۸۳)، *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا*، ترجمه ع. ا. سعیدی، تهران: چشمه.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر، چاپ دوم.
- جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز (۱۳۸۳)، *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پی‌یر بوردیو*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- جونز، سرهار فورد (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، ج ۲، تهران: طاووس.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷)، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- دو روشسوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۳)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۷، تهران: نگاه و قصه‌پرداز، ج ۴.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۶۸)، *مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین*، تهران: زرین.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: انتشارات نو.
- سمسار، حسن (۱۳۴۲)، «نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۷، صص ۱۴-۲۵.
- عضدالدوله، احمد میرزا (۱۳۵۵)، *تاریخ عضدی*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- علویه کرمانی (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر حج، عتبات عالیات و دربار ناصری*، به کوشش رسول جعفریان، قم: مورخ.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۲، ۴، تهران: اساطیر.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۹)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
- کامرانی‌فر، احمد و نرجس معمار (پاییز ۱۳۹۰)، «نقش و عملکرد قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*، سال ۲۱، شماره ۱۱ (پیاپی ۹۵)، صص ۹۹-۱۱۸.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: افکار.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- متی، رودی (بهار ۱۳۸۹)، «تنباکو در ایران»، ترجمه حسن زندیه و فاطمه عباسی، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۷۱-۱۹۲.

۸۲ / قلیان و قلیان‌کشی و نقش آن در تمایزات اجتماعی ایران در عصر ... / غفار پوربختیار

- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، تهران: زوار، چاپ پنجم.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰)، رجال عصر ناصری، تهران: تاریخ ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۷۸)، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق)، به کوشش پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- نوروزی، جمشید (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «رواج تنباکو در قلمرو بابرین»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- ویلز (۱۳۶۸)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگزلو، تهران: اقبال.
- ویلس، چارلز. جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، چاپ چهارم.
- (۱۳۶۳)، گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره، چاپ دوم.
- Matthee, Rudi (2005), *The Pursuit of Pleasure (Drugs and Stimulants In Iranian History; 1500-1900)*, United Kingdom, Princeton: Princeton University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

- Afzal al-Molk, Gölāmhossein (1361 Š.), *Afzal al-Tavārk*, edited by Manšūra Etihādīyya, Sīrūs Sa'advandīān, Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Amīn Laškar, Mīrzā Qahramān (1378 Š.), *Rūznāma-ye k̄āṭīrāt-e Amīn Laškar*, edited by Īraj Afšār, Moḥammad Rasūl Daryāgaāt, Tehran: Asāfīr. [In Persian]
- 'Alavīye Kirmānī (1386 Š.), *Rūznāma-ye Safar-e Haj, 'Atabāt-e 'Ālīāt va Darbār-e Nāsīrī*, edited by Rasūl Jafarīān, Qom: Movarīk. [In Persian]
- 'Azd al-Dola, Aḥmad Mīrzā (1335 Š.), *Tārīk-e 'Azodī*, edited by 'Abdulhossein Navāī, Tehran: Bābak. [In Persian]
- Etimād al-Salṭana, Moḥammad Ḥasan k̄ān (1389 Š.), *Rūznāma-ye k̄āṭīrāt-e Etimād al-Salṭana*, edited by Īraj Afšār, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- 'Ein al-Salṭana, Qahramān Mīrzā (1377 Š.), *Rūznāma-ye k̄āṭīrāt-e 'Ein al-Salṭana*, edited by Mas'ūd sālūr, Īraj Afšār, Vols. 2, 4, Tehran: Asāfīr. [In Persian]
- Hidāyat, Mihdīqolī (1363 Š.), *Gozārīš-e Irān*, edited by Moḥammad 'Alī Šotī, Tehran: Noqra. [In Persian]
- Hidāyat, Mihdīqolī (1375 Š.), *k̄āṭīrāt va kaṭarāt*, Tehran: Zavvār. [In Persian]
- Kāmranīfar, Aḥmad; Narjīs Mi 'mār, (1390 Š.), "Naqš va 'Amalkard-e Qahvaḵānahā-ye Tīhrān dar doray-e Qājār", *Majala-ye Tārīk-e Eslaām va Irān*, 21, No. 11, pp. 99-118. [In Persian]
- Mo'ayir al-Mamālik, Dūst' alī k̄ān (1390 Š.), *Rijāl-e 'Ašr-e Nāsīrī*, Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Mostoif, Abdullah (1384 Š.) ' -*īrāEd va ī' ātimjE e -k̄īrāt āy man ye -īnāZindīg e -arhŠ ye Doraye Qājār*, Vol. 1, Tehran: Zavvār. [In Persian]
- Nāsīr al-Dīn Šāh Qājār (1378 Š.), *Yāddāsthā-ye Rūzāna-ye Nāsīr al-Dīn Šāh (1300-1303 AH)*, edited by Parvīz Badī 'ī, Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Millī-ye Irān. [In Persian]
- Norūzī, Jāmšīd (1390), "Ravāj-e Tanbākū dar Qalamro-e Bāborīān", *Tahqīqāt-e Tārīk-e Ejtīmā'ī*, 1, No. 1, pp. 123-138. [In Persian]
- Rāvandī, Mortazā (1383 Š.), *Tārīk-e Ejtēmā'ī-ye Irān*, Vol. 7, Tehran: Nīgāh, Qišapardāz. [In Persian]
- Simsār, Ḥasan (1342 Š.), "Nazarī bi Paydāyīš-e Qalyān va Čopoq dar Irān", *Majala-ye Honar va Mardom*, No. 17, pp. 14-25. [In Persian]
- Sīpīhr, 'Abdulhossein k̄ān (1368 Š.), *Mīrāt al-Vaqāy'e Moẓafarī va Yāddāsthā-ye Malik al-Movarīkīn*, Tehran: Zarrīn. [In Persian]

References in French, English, German, Japanese

- Anet, Claude (1924), *Feuilles persanes, La route de Mazandéran, La femme lapidée, L'esprit persan, Les Cahiers Verts*, Paris, Grasset.
- Benjamin, Samuel Green Wheeler (2016), *Persia and the Persians*, Wentworth Press.
- Bonnewitz, Patrice (2002) *Premières leçons sur la sociologie de Pierre Bourdieu*, BELIN EDUCATION.
- Bourdieu, Pierre (1984), *Distinction: a social critique of the judgement of taste*, Harvard University Press. Brugsch, Heinrich Karl (2002), *Im Lande der Sonne: Wanderungen in Persien*, Adamant Media Corporation.
- Brydges, Harford Jones (2002), *An Account of the Transactions of His Majesty's Mission to the Court of Persia, in the Years 1807-11: To which is appended a brief history of Wahauby*, Adamant Media Corporation.
- Colliver, Rice, C. (1923), *Persian women and their ways:: The experiences and impressions of a long sojourn amongst the women of the land of the Shah, with an intimate ... manner of living*, J. B. Lippincot.
- D'Allemagne, Henry-René (1911), *Du Khorassan au pays des Backhtiaris, trois mois de voyage en Perse*, 4 Vol., Paris: Hachette.

- Drouville, Gaspard (2016), *Voyage En Perse, Fait En 1812 Et 1813*, Wentworth Press.
- Elgood, Cyril Lioyd (1970), *Safavid medical practice: or the practice of medicine, surgery and gynaecology in Persia between 1500 A. D. and 1750 A. D.*, Luzac.
- Feuvrier, Joannes (1906), *Trois ans a la cour de perse*, Paris: Imprimerie National.
- Grenfell, Michael James (2014), *Pierre Bourdieu*, Routledge.
- Jackson, Abraham Valentine Williams (1906), *Persia past and present: a book of travel and research*, New York, The Macmillan Company.
- Jenkins, Richard (2002), *Pierre Bourdieu*, London: Routledge.
- Kaempfer, Engelbert (1940), *Am Hofe des Persischen grosskonigs*, Leipzig: K. F. Koehler Verlag.
- Matthee, Rudie (2004), "Tobacco in Iran", *Smoke a Global History of Smoking*, edited by Sander L. Gilman and Zhou Xun, London: Reaktion Books, pp. 58-68.
- Matthee, Rudi, (2005), *The Pursuit of Pleasure (Drugs and Stimulants In Iranian History 1500-1900)*, UK, Princeton: Princeton University Press.
- Olearius, Adam (1994), *Vermechrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse*, Frankfurt: Johan Wolfgang. Goethe University, Institute for the Arabic - Islamic Science
- Olivier, Guillaume Antonie (1809), *Reise durch das Turkische reich, Egypten und Persien*, Wien: Anton Volf.
- Orsolle, Ernest (1858), *La Caucase et la Perse*, Paris, E. Plon, Nourrit et cie.
- Polak, Jakob Eduard (2018), *Persien, Das Land Und Seine Bewohner; Ethnographische Schilderungen*, Forgotten Books.
- Rochechouart, Julien de (1867), *Souvenirs d'un Voyage en Perse*.
- Serena, Carla (1883), *Hommes et choses en perse*, Paris: G. Charpentier et cie.
- Tancoigne, J. M. (2012) *Lettres Sur La Perse Et La Turquie D'asie*, Nabu Press.
- Tavernier, Jean Baptiste (1965), *Voyages en Perse*, Bussière, Saint-Amand.
- Wills, Charles James (2016), *In the Land of the Lion and Sun; Or, Modern Persia: Being Experiences of Life in Persia from 1866 to 1881*, Palala Press.
- Wills, Charles James (2016), *Persia as it is: Being Sketches of Modern Persian Life and Character*, Palalas Press.
- Yosida, Masaharu (1894), *Kaikyō tanken Perushia no tabi*, Tokyo.

پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انساني

The Hookah, Smoking Hookah, and Its Role on Social Distinctions of the Nasser Al-Din Shah Qajar Era¹

Ghaffar Pourbakhtiar²

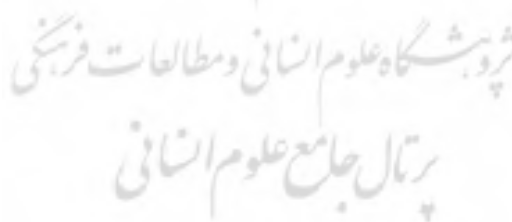
Received: 29/5/2020

Accepted: 13/8/2020

Abstract

Hookah smoking was one of Iranians' habits and entertainment in the Qajar period, which, because all classes had resorted to it, had many differences. Therefore the researcher uses a descriptive-analytical method based on library data, especially travelogues. According to Pierre Bourdieu's concept of "social distinction" seeks to find an answer to this question: "hookah as a consumer good and smoking hookah as part of the Iranian way of life," what role does it play in maintaining and reflecting the distinctions between the social classes of the Qajar period? The findings of this study show that although hookah was a consumer product in the Qajar era. Moreover, smoking hookah was a way to spend leisure time in all classes. However, the upper classes of society, using beautiful, decorative, and precious hookahs-based on aesthetic taste- showed their distinction from other classes. They took the hookah keepers of etiquette principles and, by preserving the customs of smoking hookah, sought to maintain their social and class hierarchy. In contrast, lower classes smoked hookah only for their refreshment.

Keywords: Smoking Hookah, Keeper Hookah, Aristocracy, Lower Classes, Social Distinction.



1. DOI: 10.22051/HII.2020.31464.2246

2. Assistant Professor, Department of History, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran; gh.porbakhtiar@iau-shoushtar.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493